

# نگران ادامه حیات اصلاح‌طلبی نیستم

## حسن رسولي در گفتوگو با «اعتماد»

### مهدی روزبها نی

نتیجه انتخابات‌های روز 28 خرداد مشخص کرده که به زودی بسیاری از نیروهای اصلاح‌طلبی که در دولت و در شهرداری‌ها و شوراهای شهر و روستا بودند، باید اسباب‌کشی کنند، به خصوص آنکه اصولگرایان تأکید دارند حاکمیت یک‌دست شده و می‌خواهند کشور را فقط با نیروهای نزدیک به طیف خود اداره کنند. در این شرایط اما و اگرهایی برای ادامه حیات سیاسی اصلاح‌طلبان مطرح شده است. برخی با استناد به نتایج انتخابات می‌گویند مردم از جریان اصلاحات رویگردان هستند و دیگر مانند گذشته به آنان اعتماد نمی‌کنند و به همین خاطر تأکید دارند که بعید است این جریان سیاسی بتواند در چهار سال آینده با قدرت وارد عرصه انتخابات شود. در عین حال اما گروهی دیگر همچنان از جریان اصلاحات دفاع می‌کنند و بر این باورند که اصلاح‌طلبی تنها راه ادامه حیات کشور و حل مشکلات است. هر چند که اصلاح‌طلبان نتوانستند به پیروزی در این انتخابات برسند اما به این معنی نیست که آنان حیات خود را از دست داده‌اند. اینان تأکید دارند که اصلاح‌طلبان باید از فرصت استفاده کنند و حالا با توجه به نداشتن مسوولیت اجرایی باید زمان خود را صرف بازسازی تشکیلات سیاسی اصلاح‌طلبان کنند. حسن رسولي از فعالان سیاسی این جریان نیز بر این باور است که اصلاح‌طلبان به حیات خود ادامه می‌دهند. او می‌گوید که به بهزاد نبوی به عنوان رئیس جبهه اصلاحات ایران پیشنهاد داده که احزاب اصلاح‌طلب همه در هم ادغام شوند و در نهایت یک یا دو حزب فراگیر داشته باشند.

انتخابات 28 خرداد تمام شد. اصولگرایان مانند انتخابات مجلس یازدهم در همه حوزه‌ها با اختلاف پیشتاز بودند. هر چند اصلاح‌طلبان درباره اینکه نامزد مورد نظرشان در عرصه حضور نداشت و نقدهایی در این باره دارند اما به هر حال اصولگرایان نتیجه نهایی را از آن خود کردند. در این شرایط برخی می‌گویند دیگر جریان اصلاحات مانند

سابق نمی‌تواند در عرصه سیاست حضور داشته باشد. برخی هم حتی از پایان کار آن سخن می‌گویند. به نظر شما الان تکلیف این جریان سیاسی چیست؟ اصلاح‌طلبان چه باید بکنند؟

دو جریان سیاسی مشهور کشور یعنی اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در گذر از شرایط انتخاباتی، متناسب با موفقیت یا عدم توفیقی که کسب می‌کنند، همواره مورد این سوال قرار می‌گیرند که حالا چه باید بکنند؟ آیا ممکن است که دیگر در سیاست ایران حضور نداشته باشند؟ اگر به یاد داشته باشید این اتفاق برای اصولگرایان هم در گذشته رخ داده است. در سال 76 جریان اصولگرا، در رقابت با آقای خاتمی دچار شکست سنگین شد. بعضا اظهارنظراتی را شاهد بودیم مبنی بر اینکه پایان حیات جریان اصولگرایی را اعلام می‌کردند و امروز نیز که تحت تاثیر انتخاباتی که برخلاف سال 76 جریان اصولگرا پیروز میدان هست، همین سوال بعضا در برخی محافل متوجه اصلاح‌طلبان است با این مضمون که آینده اصلاح‌طلبی چه خواهد شد.

من فکر می‌کنم جریان‌های سیاسی که برخاسته از تاریخ، فرهنگ و مناسبات چند جانبه اجتماعی و سیاسی هستند، واقعیت‌های پایدار جامعه ایران هستند. هرچند ممکن است متاثر از شرایط موقت انتخاباتی فراز و فرودهایی داشته باشند ولی حسب تجربه هیچ کدام از جریان‌های سیاسی در گذر این فراز و فرودهای انتخاباتی به حیات خودشان پایان نمی‌دهند.

من مثال عرض می‌کنم که در دهه 60 نهضت آزادی و جریان ملی مذهبی از گردونه ساختار رسمی قدرت حذف شد ولی این مجموعه امروز در جامعه به صورت یک جریان شناخته شده و فعال حضور دارد و به حیات خودش ادامه می‌دهد. در مورد آینده اصلاح‌طلبی من فکر می‌کنم که نهایتاً ما شاهد یکسری اصلاحات ساختاری در بین اصلاح‌طلبان باشیم ولی مبنای کار تغییر نمی‌کند و این جریان حذف نمی‌شود و حذف‌شدنی هم نیست.

حضور اصلاح‌طلبان بر مبنای مطالبات تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مردم ایران است و فرآیندی است با عمر بیش از صد سال و بنابراین موجودیت آن متاثر از این برد و باخت‌های انتخاباتی موجودیت در معرض خطر نیست. ممکن است اصلاح‌طلبان در راستای تحقق آرمان‌های اصلاح‌طلبانه به لحاظ ساختاری و فرآیندی و سازمانی تغییراتی را ایجاد کنند اما اینکه با حذف شدن از گردونه قدرت رسمی متاثر از یکی، دو انتخابات، براساس شواهدی که بیان کردم به نظر من این جریان به حیات خودش ادامه خواهد داد.

# اینکه شما می‌فرمایید به حیات خودش ادامه می‌دهد به کنار در این شرایط چه تصمیمی می‌گیرند و به چه سمتی می‌روند؟

در این شرایط وظیفه اصلاح‌طلبان خواهد بود که اولاً با يك نگاه عالمانه، واقع‌بینانه و کارشناسی شرایط خود را آسیب‌شناسی کنند. نقاط قوت و ضعف این جریان را شناسایی کنیم و متناسب با آرمان‌ها و منشور اصلاح‌طلبی در حوزه تشکیلاتی و سازمانی، سازه‌های جدیدی را برای استحکام هر چه بیشتر جریان تحول‌خواهی و اصلاح‌طلبی در کشور فراهم کنیم. به نظر من تجارب سیاسی صد ساله اخیر و به ویژه در 42 سال بعد از انقلاب، نشان می‌دهد که هیچ کدام از دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا نباید هنگام برد دچار غرور و خودبزرگ‌بینی شوند و حریف را محو شده بپندارند و هنگام عدم توفیق هم نباید احساس کنند که به پایان دوره حیات خود رسیده‌اند.

من به هیچ عنوان نگران تداوم حیات اصلاح‌طلبی نیستم و معتقدم اصلاح‌طلبان برای تحکیم مبانی اصلاح‌طلبی با دریافت نتایج عملیاتی از آسیب‌شناسی پیش گفته، می‌توانیم همچنان در راستای اعتلای ایران، تحکیم مردمسالاری دینی و کمک به نظام جمهوری اسلامی در فائق آمدن بر مشکلات بی‌شمار فرارو نقش‌آفرین باشیم.

به موضع اصلاح ساختاری جریان اصلاحات اشاره کردید. ما شاهد بودیم که شورای عالی سیاستگذاری جبهه اصلاحات بعد مجلس دهم عملاً حذف شد و تشکیلات جدیدی به نام جبهه اصلاحات ایران شکل گرفت. الان هم برخی این گمانه‌زنی را می‌کنند که ممکن است جبهه اصلاحات هم به سرنوشت تشکیلات قبلی دچار شود.

شورای عالی سیاستگذاری، شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب و شورای هماهنگی نیروهای خط امام در دهه 60 و 70 و جبهه اصلاحات ایران در امروز در حقیقت سازه‌های تشکیلاتی هستند برای حداکثرسازی همگرایی بین ظرفیت‌های متنوع جریان اصلاحات. این نوسازی و بهسازی تشکیلاتی به معنای لطمه وارد شدن به منشور اصلاحات نیست. در حقیقت بحث‌های ساختاری و تشکیلاتی است. هر چند که دیگر امروز شورای عالی سیاستگذاری جبهه اصلاحات نداریم و جبهه اصلاحات ایران را تشکیل داده‌ایم اما باید گفت در حقیقت این تشکیلات جدید هم يك بازشناسی شده و تفاوت‌چندانی به لحاظ محتوایی و از نظر هدف نهایی با تشکیلات قبلی ندارد. جبهه اصلاحات ایران چه با این نام چه با نام

دیگری باشد ما همچنان تا زمانی که از چند حزب توانمند برخوردار نباشیم، ناگزیر هستیم که از ظرفیت جبهه‌ای استفاده کنیم. این اجتناب‌ناپذیر بودن در استفاده از ظرفیت جبهه‌ای یک موضوع فراگیر است و فقط شامل اصلاح‌طلبان نیست بلکه شامل احزاب اصولگرا نیز می‌شود. از نظر من بهسازی و نوسازی و تغییر عنوانی روند پویایی است که خب قابل قبول است ولی به معنای تغییرات محتوایی و مبنایی در اصول اساسی پایه‌های اصلاح‌طلبی نیست و نباید نگران از دست رفتن اصلاح‌طلبی به خاطر این بهسازی و نوسازی بود که به هر حال ممکن است در آینده نیز رخ دهد.

**برخی بر این باورند که نتایج انتخابات اخیر نشان داد که اصلاح‌طلبان مانند گذشته جایگاهی ندارند و باید دست به تغییر و اصلاح خود بزنند.**

سال 76، خاتمی 20 میلیون رای آورد در نتیجه این انتخابات، کل جریان اصولگرایی نیز همین را می‌گفتند. در سال 92 با ظرفیت اصلاحات آقای روحانی از یک نامزد بسیار دور از احتمال پیروزی به پیروزی رسید. واقعیت این است که صحنه رقابت‌های انتخاباتی مانند مسابقات ورزشی صحنه برد و باخت است و تیم‌های ریشه‌ای و شناسنامه‌دار در حوزه ورزشی با دو برد و باخت نباید مغرور و مأیوس شوند در هر مرحله باید نقاط قوت و ضعف موثر در نتیجه را مورد بازبینی قرار دهند.

**به نظر ما مهم‌ترین کاری که امروز اصلاح‌طلبان می‌توانند انجام دهند، چیست؟ شما چه راهی را برای عبور از این شرایط به آنان پیشنهاد می‌دهید؟**

مهندس بهزاد نبوی از حیث سابقه کار تشکیلاتی و نیز میزان هزینه‌ای که ایشان برای کار تشکیلاتی قبل و بعد از انقلاب پرداخت کردند و نیز مهارت و تجاربی که ایشان دارند در اصلاحات شخصیت کم‌نظیری هستند. من خدمت ایشان گفتم که در شرایط فعلی که فراغ بالی متوجه جامعه اصلاح‌طلبی ایران است، باید فرآیند بازسازی سازمان اصلاحات با محوریت ایشان شروع شود. به این معنی که سی و چند حزب با محوریت ایشان و با استفاده از اعتبار سایر بزرگان اصلاحات اولاً به روند تکثیر و افزایشی خود پایان دهند و ثانیاً در قالب یک برنامه زمان‌بندی شده پروژه ادغام این احزاب را کلید بزنند. من فکر می‌کنم

که هیات‌ریسه امروز جبهه اصلاحات ایران به ریاست آقای بهزاد نبوی این ظرفیت را برای انجام این کار دارد. اگر ظرف دو یا سه سال به جای 30 حزب دو یا سه حزب متعهد و فراگیر داشته باشیم به نظرم می‌توانیم هم سیاست‌ورزی خود را با هزینه کمتر سیاسی تداوم ببخشیم و هم به دستاوردهای بیشتر از این وضعیت موجود برسیم.

ما از لحاظ کمی دارای احزاب فراوان هستیم اما به لحاظ کیفی از یک سامانه واحد حزبی برخوردار نیستیم. من به عنوان یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب الان عضو حزبی نیستم و یکی از دلایل نپیوستنم به احزاب فعلی این است که فکر می‌کنم احزاب فعلی خودشان و این تکثرشان زمینه‌سازی شکست احزاب در ایران شده است.

اگر مهندس نبوی پیش‌قدم شوند به عنوان فعال سیاسی داوطلب خواهم شد که به عضویت یکی از دو، سه حزب اصلاح‌طلب ادغام شده، فراگیر و برخوردار از قدرت نفوذ کیفی دربیایم.

منبع: روزنامه اعتماد 16 تیر 1400 خورشیدی